قیمت ۱۰۰۰ تومان/شماره ۱

toseeirani.ir

روزنامه صبح
سیاسی،اجتماعی،اقتصادی

توسعه ایرانی

یکشنبه ۳تیر ۱۳۹۷ / ۱۰ شوال ۱۴۳۹ / ۲۴ ژوئن ۲۰۱۸



خاص‌ترین بازیکنان تیم ملی
در جام جهانی ۲۰۱۸

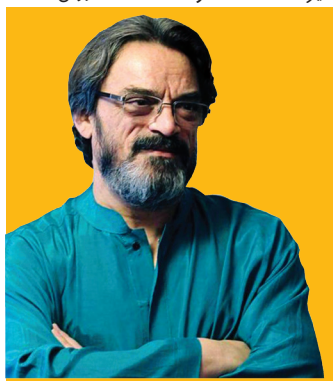
نورچشمی‌های کی‌روش

آندرنالین ۱۱

یادداشت حسین علیزاده

به‌استادم؛ هوشنگ ظریف فرشته موسیقی

چهارگاه ۹



نمایندگان طرح سوال از رییس جمهور را از سر گرفتند

مجلس سوال دارد

سیاست ۲

بگو چی دور می‌ریزی تا بگویم که هستی!

زباله‌ها افشا می‌کند!

شهرنوشت ۶

روایت غم والدینی که از فرزندان‌شان جدا شدند

ایستاده‌بر دروازه‌های دوزخ

جهان ۵

رفتاری که ریشه در عقلانیت و شم اقتصادی دارد

نام: پدر رسالت: خاموش کردن کولر!

چرتکه ۳

«خلیفه منتظر» بر تخت می‌نشیند؟

«خلیفه منتظر» لقبی است که به دلیل برگزاری انتخابات زودهنگام در ترکیه به اردوغان داده شده است. چندی پیش رجب طیب اردوغان رئیس جمهور فعلی ترکیه پس از دیدار با دولت باغچه‌لی، رهبر حزب راستگرای حرکت ملی (MHP) خواستار برگزاری انتخابات زود هنگام شد. انتخاباتی امروز برگزار می‌شود و آینده این کشور را دچار تغییرات اساسی می‌کند. انتخابات پارلمانی جدید در ترکیه به معنای آغاز تغییر نظام سیاسی در این کشور است. پس از این انتخابات قرار است قانون اساسی جدید ترکیه به اجرا در آید که بر اساس آن حدود اختیارات و قدرت ریاست جمهوری بیشتر خواهد شد و قطعا این انتخابات برای ترکیه رویدادی سرنوشت‌ساز است. اگرچه اردوغان وضعیت کنونی در سوریه و عراق، و تصمیماتی که باید در سیاست‌های کلان اقتصادی کشور اتخاذ شود را دلیل برگزاری انتخابات زودهنگام بیان کرده است اما ناگفته پیداست که دلایل دیگری برای این انتخابات زودهنگام وجود دارد.

جهان ۴

سرمقاله

در نام و ننگ فوتبال

این روزها مردمان کشورهایی که تیم ملی‌شان در رقابت‌های جام جهانی فوتبال حضور دارند با هیجانی بیشتر از سایر کشورهایی که در این رقابت‌ها غایب‌اند اخبار و رویدادهای جام جهانی فوتبال را پیگیری می‌کنند و مردم ایران نیز از این قاعده مستثنا نیستند. شب‌های فوتبالی در قاب رسانه تا دیروقت ادامه می‌یابد و روزها صفحه نخست روزنامه‌ها را عکس‌ها و جملات حماسی و تیترهای فوتبالی می‌پوشاند.

جو روانی و فضای احساسی ایجاد شده که بخش اعظم آن از تاثیر رسانه منبعث می‌شود به گونه‌ای است که افراد جامعه گمان می‌کنند باید در این رویداد مهم نقشی ایفا کنند. درست همانند همان لحظه‌ای که فرد مهمی را می‌بینند و گمان می‌کنند باید با این فرد مهم عکسی به یادگار بگیرند. اینجاست که صفحات مجازی در اینستاگرام و کانال‌ها و گروه‌ها از متن‌های احساسی چهره‌ها و غیر چهره‌ها آکنده می‌شود.

یکی کی‌روش را «کارلوس ایرانی» می‌خواند، و دیگری او را سفیر فرهنگ و جنگندگی ایرانی لقب می‌دهد و آن دیگر کار را تا آنجا پیش می‌برد که می‌نویسد: «پس راحت می‌گویم که هیچ‌کس مثل تو نمی‌توانست غرور ملی‌مان را به ما برگرداند.»

اساس حرف این افراد آن است که کی‌روش کاری کرد تا ما تیمی از پیش باخته نباشیم. این همه در حالی است که ما مردمان حتی بعد از باخت هم خود را بازنده نمی‌دانیم و به گونه‌ای رفتار می‌کنیم و سخن می‌گوییم که گویی بازی باخته را ما برده‌ایم.

اصولا رقابت‌های ورزشی از آن جهت در قالب تیم‌های ملی به صورت یک نهاد در میان ملت‌ها دارای شأن و اعتبار شد تا بر این بستر روابط میان ملت‌ها فارغ از مناسبات سیاسی، جنگ‌ها، درگیری‌ها و تنش‌های واقعی تسهیل شود و ملت‌ها در مسیری جدای از مسیری که سیاستمداران و حاکمان جهان ترسیم کرده‌اند بتوانند با یکدیگر در ارتباط باشند. اما آنچه در گفتمان این روزهای حاکم بر فضای رسانه‌ای کشور مشاهده می‌شود گویای این واقعیت است که مفاهیم و تعابیر حاکم بر گفتمان ورزش با تعریف مشخصی که از آن ذکر شد از جایگاه اولیه خود جدا شده، به حوزه‌های گفتمانی سایر مفاهیم و مقولات اجتماعی از قبیل غرور و حیثیت ملی وارد شده است.

این روزها چنان از فوتبال به‌عنوان احیاکننده یا مقوم غرور ملی سخن به میان می‌آید که گویی کشورهایی که فوتبال ندارند، یا در این رقابت‌ها حضور ندارند یا حضور دارند و شکست می‌خورند پس حتما یا غرور ملی ندارند یا اگر هم دارند در صورت باخت غرور ملی آنها جریحه‌دار شده است. بی‌تعارف‌ترین روایتی که می‌توان از یک مسابقه، مثلا مسابقه فوتبال میان تیم ملی ایران و اسپانیا داشت آن است که یازده جوان ایرانی با یازده جوان اسپانیایی با هم مسابقه داده‌اند و بر اساس تفکرات دو مربی یک بر صفر باخته‌اند. اما چه می‌شود که یک بازی فوتبال که اساس و فلسفه آن نزدیک کردن ملت‌هاست به گونه‌ای در میان جامعه تعریف می‌شود که حضور در آن رقابت به وسیله‌ای برای تقویت یا آن‌طور که برخی از چهره‌های رسانه‌ای در رسانه ملی به آن دامن می‌زنند احیای غرور ملی تبدیل می‌شود.

چگونه است که باختن در یک مسابقه ورزشی غرور ملی ما را تقویت کرده یا آن را به ما برگردانده است؟ مگر باخت هم باعث غرور می‌شود؟ اشکال کار آنجاست چون رسانه‌های ما به ویژه چهره‌های نامدار این عرصه هرشب بر قاب تلویزیون و تا پاسی از شب مدام بر این طبل می‌کوبند و مفاهیم موجود در ساحت ورزش را به ساحت های غیرورزشی تعمیم داده و با همان ادبیات و زبان رایج در سایر حوزه‌ها در اقلیم ورزش جولان می‌دهند.

زمانی که مفاهیم از جایگاه و گفتمان اصلی خود خارج می‌شوند و یک بازی فوتبال خارج از فلسفه و کارکردهای اصلی خود تعریف و تمجید می‌شود و تمام حیثیت و غرور ملی کشور بدان گره زده می‌شود آن‌گاه است که مُروّجان چنین ادبیاتی ناچارند برای توجیه باختی که در برابر یک تیم دیگر داشته‌اند به هزار جور فلسفه‌بافی متوسل شده، آن را رنگ پیروزی بزنند تا غرور ملی‌شان جریحه‌دار نشود. بنابراین ناچارند به همان زبانی با غرور ملی در فوتبال سخن بگویند که پیشتر در خصوص غواصانی که با دستان بسته در جزیره ام‌الرصاص شهید شده بودند یا آتش‌شانانی که با جانفشانی در حادثه پلاسکو جان باختند، یا در بازپس‌گیری حقوق هسته‌ای، یا دستاوردهای دانشمندان هسته‌ای و هزاران نمونه دیگر سخن می‌گفتیم. اگر در آن زمان قهرمانان حماسه‌ساز ملی غواصان شهید، آتش‌نشانان جان‌برکف، یا دیپلمات‌ها و دانشمندان هسته‌ای کشورمان بودند این‌بار در این حماسه‌سرایی جعلی ناچاریم قهرمانی چون کی‌روش داشته باشیم.

مربی خارجی‌ای که با دستمزدی که از ایران ستانده است هفتمین مربی گران‌قیمت حاضر در این رقابت‌هاست و قراردادی که با فدراسیون فوتبال بسته است کمتر از قرارداد ترکمانچای نیست.

جداکردن مفاهیم از یک بافتار گفتمانی و جاری کردن آن بر حوزه‌های دیگر که هیچ تناسبی با یکدیگر ندارند چنین اشکالاتی را به وجود می‌آورد. از این‌روست که عادل فردوسی‌پور پس از باخت یک بر صفر ایران مقابل اسپانیا با چشمانی غم‌بار، سوگوارانه برای کی‌روش مرثیه‌سرایی می‌کند و عذرخواهانه می‌گوید (قریب به مضمون) که ای کی‌روش عزیز، ما در این مدت چقدر به تو بد کردیم، به تو انتقاد کردیم، دستمزد تو را به روی تو کوبیدیم، اما تو امروز جواب کارهای بد ما را با این افتخار بزرگ (باخت یک بر صفر در مقابل اسپانیا) دادی و ما را شرمسار رفتار زشت خود کردی. البته توانایی‌های فنی مربی تیم ملی بر کسی پوشیده نیست و اساسا موضوع بحث نیست.

نکته در این است یک مربی کاربلد، با کاربلدی خود پول هنگفتی از جمهوری اسلامی ایران ستانده، کار خود را به‌خوبی انجام داده یا نداده است. با تغییر گفتمان‌ها از وی قهرمان ملی نسازیم یا غرور ملی ایرانیان را به برد و باخت در فوتبال مرتبط کنیم.

